

«براندازی»

یا

«حفظ وضعیت موجود»؟

در وضعیت کنونی، با تعمیق بحران اجتماعی و سیاسی در جامعه، و شکاف‌ها میان باندهای مختلف در درون هیئت حاکم، بحث پیرامون «براندازی» رژیم و بدیل‌های حکومتی در دستور روز قرار گرفته است.

در درون ایران، عمدتاً دو جبهه حول مسئله براندازی وجود دارد. از یک سو، نیروهای متشکل و سازمانیافته‌ی وفادار به «قانون اساسی» جمهوری اسلامی و ولایت فقیه، براندازی رژیم را خلاف دین و شرع قلمداد کرده و مردم را از عواقب مخرب آن برهز می‌دارند. در این برخورد، هر دو باند هیئت حاکم با یکدیگر مشترک هستند. خاتمی در سخنرانی اخیر خود اعلام کرد که: «خواست و مطالبه روشن و بیان شده ملت در فرمول «جمهوری اسلامی» تجلی پیدا کرده است و اگر خطری متوجه نظام و جامعه باشد، تهدید این خواست تبلور یافته است (سخنرانی اخیر خاتمی به مناسبت بازگشایی دانشگاه‌ها، ۴ مهر). باندهای مختلف رژیم بارها با صراحت نشان داده‌اند که چنانچه «نظام» به هر علت به مخاطره افتد، حاضرند کلیه اختلاف‌های درونی را کنار گذاشته و متحداً به حمایت از «جمهوری اسلامی» بپا خیزند.

بقیه در صفحه ۲

تدارک برای ایجاد همبستگی بین المللی با
تشکل‌های مستقل کارگری، دانشجویی و
زنان در ایران

با توجه به برقراری پیوندهای نزدیک رژیم با دول امپریالیستی و سفرهای اخیر مقام‌های دولتی جمهوری اسلامی به غرب و ملاقات‌های مقامات و شخصیت‌های غربی با سران رژیم، شرایط برای افشای هر چه بیشتر رژیم و همچنین دول حامی رژیم در سطح بین‌المللی فراهم گشته است.

از یکسو، برقراری ارتباطات تنگاتنگ با غرب به مفهوم آماده‌سازی اذهان عمومی کشورهای غربی توسط دولت‌ها و مطبوعات غربی است. از اینروست که در طی چند سال پیش، مطبوعات غربی با کمک حامیان «اصلاحات» در خارج دست به تبلیغات گسترده‌ای پیرامون «تغییرات» بنیادی در ایران و بهبود وضعیت، زده‌اند. در نتیجه، در چنین وضعیتی، نقش نیروهای مخالف رژیم در خارج خنثی‌سازی این تبلیغات کاذب است.

از سوی دیگر، تحولات اخیر ایران، و روند بازسازی سرمایه‌داری، امکانات مبارزاتی کارگران (و سایر قشرهای تحت ستم) را بیشتر از گذشته خواهد کرد. کارگران، دانشجویان و زنان ایران که خواهان ایجاد تشکل مستقل خود بوده، نیاز به جلب همبستگی

بقیه در صفحه ۴

براندازی.....

حمله «متحدانه» باندهای رژیم شهر، و دانشجویان در دانشگاههای تهران و تبریز، نمایانگر اینست که نه تنها نیروهای «حزب الله»، بلکه کلیه طیف درون مرزی «اصلاح گرایان» در مقابل «براندازی» رژیم تا آخرین قوا خواهند ایستاد. زیرا، «حفظ وضعیت موجود» بهر بها، برای کسانی که منافع مادی در جامعه دارند حیاتی است. سرمایه داران تجاری ایران در حفظ چنین رژیمی ذینفع بوده و رژیم نیز به وظایف خود به مثابه نماینده سرمایه داران وفادار مانده است. سرمایه داران برون مرزی نیز پس از سالها انتظار و بلاتکلیفی، عاقبت به «جامعه مدنی» خاتمی تن داده و در آن بخش از هیئت حاکم روزنه ای برای امیدهای از دست یافته خود، می بینند. از اینرو آنها نیز به جبهه «اصلاح طلبان» پیوسته اند.

از سوی دیگر، درمقابل باندهای هیئت حاکم، نیروهای «گریز از مرکز» شکل گرفته اند. این گرایش های اجتماعی، همان نیروهای «مستقل» از جناحهای هیئت حاکم هستند. نیروهایی که خاتمی در سخنرانی اخیر خود آنها را یک لبه «قیچی خطرناک» که «نفی جمهوری اسلامی» را هدف قرار داده اند، معرفی کرد. این قشرهای اجتماعی، گرچه از سازماندهی تشکیلاتی، امکانات مادی، یکپارچگی، تجربه و چشم انداز روشن سیاسی برخوردار نیستند، اما در «عمل» مبارزاتی آگاهانه و یا ناآگاهانه، با تشکیل یک «جبهه سوم»، در مقابل «اصلاح گرایان» و «تمامیت خواهان» قد علم کرده، و پایه های رژیم را به لرزه انداخته اند. این قشرهای اجتماعی (دانشجویان دانشگاهها، زنان و کارگران جوان) گرچه، هم اکنون، مجهز به یک برنامه مشخص انقلابی و شعار محوری «براندازی» رژیم نمی باشند، اما، بالقوه منطق مبارزه شان، آنها را به چنین سمت و سویی سوق می دهد. این قشرهای ناراضی اجتماعی، در عمل در می یابند که «اصلاح گرایان» همان «تمامیت خواهان» بوده، و «تمامیت خواهان» همان «اصلاح طلبان» اند و اینکه اختلاف میان آنها تنها تزئینی و ظاهری است.

البته، وجود چنین حرکتهای مستقل در جامعه به خودی خود منجر به «براندازی» نمی گردد. در صورت نبود یک تشکیلات سراسری سیاسی و نبود کارگران پیشرو در صحنه، رژیم می تواند (با کمک امپریالیزم و حامیان برون و درون مرزی خود، نهایتاً مسایل را تعلیل داده و روند براندازی را موقتاً متوقف کند).

سازماندهی «جبهه سوم» برای تدارک انقلاب

در چنین وضعیتی، نقش نیروهای انقلابی، مرتبط کردن خود به «جبهه مستقل» مردمی و تقویت آن است. در درون «اپوزیسیون چپ» همواره دو انحراف در برخورد به وقایع اخیر ایران به ویژه پس از انتخابات خاتمی، طرح بوده است.

اول، گرایشهای «فرقه گرا» ای که خود را کاملاً جدا از تحولات پنداشته و همه چیز را یک توطئه و بی ارتباط به مسایل جنبش کارگری می دانند. برای این عده امر دخالتگری در تحولات اخیر ایران کاملاً بی مورد بوده، زیرا بر تئوری های پیش ساخته آنها منطبق نمی باشد. اینها تبلیغات خود را تنها به یک سلسله شعارهای کلی خلاصه می کنند. این نیروها درک نمی کنند که تنها اکتفا کردن به شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زنده باد جمهوری سوسیالیستی» بدون در نظر گرفتن حرکتهای عینی در جامعه کافی نیست. این نیروها باید بتوانند پاسخ دهند که حلقه رابط بین وضعیت کنونی و آگاهی فعلی مردم ایران و تشکیل یک حکومت شورایی و کارگری چیست؟ چگونه می توان از مطالبات کنونی منطبق با آگاهی فعلی حرکت کرد؟ چه تشکیلاتی و ساختاری منطبق با وضعیت موجود بایستی بوجود آورد که امر انقلاب آتی را تسهیل بخشد؟ به جای پاسخ به این نکات اساسی آنها به یک سلسله کلی گویی ها و خرده کاری ها بی ارتباط و نهایتاً دعوت همگان به پیوستن به «حزب» و «سازمان» شان بسنده می کنند! بدیهی است که چنین روشی از برخورد، نه تنها هیچ کمکی

ایجاد هسته های سوسیالیستی و هماهنگی آنها می تواند زمینه را برای سازماندهی تشکل های مستقل جوانان آماده سازد. تنها با سازماندهی هسته سوسیالیستی از پائین است که می توان به پیشبرد سازماندهی جوانان امیدوار بود. یکی از وظایف اصلی هسته های سوسیالیستی در ایران یافتن روش هایی برای پیوند دادن سازماندهی جوانان با سازماندهی کارگری است.

در ایران در طی دو دهه پیش محافل کارگری شکل گرفته و فعالیتهای، هر چند پراکنده، اما عمیقی در جامعه صورت داده اند. برقراری پیوند میان محافل کارگری و محافل جوانان از کانال هسته های سوسیالیستی، می تواند همچنان زمینه را برای ایجاد نطفه های اولیه یک حزب پیشتر انقلابی فراهم آورد.

۶ مهر ۱۳۷۹

تاریخ

زمان سیاه: گذشته، حال، آینده
اسارت در زندانهای تیره و تار پر شکنجه؛
صبحگاه یا شامگاهی نامعلوم

و

سینه های خونین و مشبک شده؛
اعمال و واژه های رایج؛

زیبائی،

زشتی،

ظلم و ستم،

عدالت،

رذالت،

اخوت،

مساوات،

همه و همه ...

در تکمله یی به نام تاریخ.

م. عاصی / اوت ۲۰۰۰

به تقویت «جبهه سوم» نمی کند که آنها را به سرعت نا امید خواهد کرد. نیروهای پیشرو و مبارز در ایران، هم اکنون، تحت فشار برخوردهای فیزیکی «حزب الله» و تبلیغاتی «اصلاح طلبان»، خواهان یافتن راه حلهای واقعی در راستای تدارک خود برای انقلاب هستند، و نه پیوستن به «حزب» ها و «سازمان» های من درآوردی بدون ارتباط به مسایل ایران. نقش عناصر آگاه انقلابی کمک رسانی و تقویت جوانان پیشروی ایران در راستای تشکیل یک حزب مرتبط به ایران است، و نه تحمیل حزبهای قلابی خارج از کشوری به آنها.

دوم، گرایش های «فرصت طلب»ی که همواره توجه اخص خود را به تحولات درونی رژیم معطوف داشته، تا از درون تناقض های هیئت حاکم، به زعم خود، با «رادیکال»ترین آنها ارتباط برقرار کرده و در اتحاد با آنها به امر سازماندهی انقلاب به پردازند. غافل از اینکه حتی رادیکالترین جناح های هیئت حاکم در نهایت با ارتجاع ترین جناح، در مقابل حرکت های مردمی و جنبش کارگری وحدت خواهد کرد. این گرایش ها، ظاهراً هیچ درسی از انقلاب اخیر ایران نگرفته اند (درس های و تجارب تاریخی سایر کشورهای جهان پیش کش). این گرایش ها همانهایی بودند که از «روحانیت مبارز» به اصطلاح ضد امپریالیست حمایت کردند. اینها همانهایی هستند که در هر مقطع ۲۰ سال اخیر همواره خود را به جناح های درون رژیم مرتبط کرده اند. آنها هنوز از تجارب تلخ خود درس فرا نگرفته و همان روش سابق را ادامه می دهند.

در مقابل این دو انحراف، نیروهای سوسیالیست انقلابی فعالیت خود را در پیوند با مسایل و مطالبات عینی قشرهای پیشروی جامعه سازمان می دهند. به جای قیم مآبی و اعلام حزب و تشکیلات از بالا، همراه با پیشروان انقلابی به چنین نهادی می رسند. تجربه چند ماهه جوانان پیشرو نشان داد که یکی از مطالبات محوری آنها ایجاد تشکل های مستقل است. تشکل هایی که قادر است اکثر نیروهای گریز از مرکز را سازمان داده و مبارزات ضد استبدادی آنها را به مبارزه ضد سرمایه داری مبدل سازد.

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران به سهم خود در ادامه فعالیت‌های گذشته، چنین اقداماتی را تدارک دیده و از کلیه افراد و نیروهایی که با چنین چشم اندازی توافق داشته و آماده فعالیت هستند، دعوت به همکاری می‌کند.

هیئت مسئولان

اتحادیه سوسیالیستهای انقلابی ایران

۷ مهر ۱۳۷۹

همبستگی بین المللی.....

بین المللی خواهند داشت. تنها کارگران، جوانان و زنان سایر کشورهای جهان از متحدان قشرهای تحت ستم ایران هستند و نه دولتهای این کشورها. در نتیجه ضرورت تداوم عمیق تر همبستگی بین المللی در پیوند با مبارزات مردم علیه استبداد حاکم، از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

در عین حال، فعالیتهای دفاعی در خارج کشور تنها محدود به ایرانیان نمی تواند باشد. کمیته های دفاع از مردم ایران در وهله نخست بایستی به جلب وسیعترین و جدی ترین نیروهای ضد سرمایه داری غربی گشته، در غیر آنصورت، در اهداف خود به نتایج مطلوب نخواهند رسید. ایرانیان تنها می توانند همانند اهرمی عمل کرده و نیروهای مترقی کشورهای غربی را به همبستگی با مردم ایران متقاعد کنند. چنین کمیته ای بایستی حداقل مطالبات زیر را در برنامه خود جای دهد:

۱- برسمیت شناختن تشکل های مستقل کارگران (دانشجویان و زنان) در ایران.

۲- آزادی بدون قید شرط کارگران و دانشجویان در بند.

۳- آزادی اعتصابات کارگری و سایر اعتراض های کارگری، دانشجویی و زنان و نویسندگان.

۴- آزادی کلیه مطبوعات (که شامل مطبوعات کارگری و مخالفان قانون اساسی نیز می گردد).

کمیته برای تحقق اهداف زیر باید تلاش کند :

۱- افشای دولتهای امپریالیستی حامی رژیم ایران.

۲- تدارک برای اعزام هیئت نمایندگی مستقل به ایران برای نظارت بر وضعیت اجتماعی و بررسی محاکمات دانشجویان و کارگران.

۳- جمع آوری کمک مالی برای مبارزان کارگری و دانشجویی.

از سایت جدید زیر دیدن کنید:

<http://www.kargar.org>

«نشر کارگری سوسیالیستی» منتشر کرده است:

- الفبای کمونیزم - بوخارین/پرابراشنسکی (۲۵)
- در باره سرمایه - کارل مارکس (۲۱-۲۰)
- نقد برنامه گوتا - کارل مارکس (۲۳)
- تکامل سوسیالیزم از تخیل به علم - انگلس (۱۳)
- بیانیه کمونیست - مارکس/انگلس (۱۹)
- برنامه کمونارهای بلانکیست فراری-انگلس(۱۷)
- جایگاه مارکسیزم در تاریخ - ارنست مندل (۱۵)
- نتایج و چشم اندازها-تروتسکی (۹)
- اخلاق آنها و اخلاق ما - تروتسکی (۲۲)
- انسان سوسیالیستی - ایزاک دوپچر (۱۲)
- امکانات عمل اتحادیه صنفی-اندرسون (۲)
- انجمن های شورائی در انقلاب مشروطیت - هما ناطق (۷)
- تزهایی در باره اخلاق کمونیستی در روابط زناشویی - کلوننای (۱)
- وحدت مادی عالم هستی - گریانف (۳)
- نگرانی های یک شاعر-احمد شاملو (۸)
- نهضت خرمدینی-حمید حمید (۱۱)
- نهضت های انقلابی در آمریکای لاتین -